عنوان مقاله: بررسی مبانی حجاب و عفاف در قرآن

نویسنده: فرزانه نیکوبرش راد

چکیده

«حجاب و عفاف»در قاموس بشری ، واژه های آشنایی هستند که در گذر زمان از سنت به سوی مدرنیته ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است . در این میان مردان و زنان (به خصوص زنان) در مسیر تند باد حرکت به سوی مدرنیسم ، در معرض برهنگی فرهنگی و فرهنگ برهنگی قرار گرفتند تا در توسعه سرمایه داری نقش خویش را ایفا کنند .

اما با گذر زمان از هویت و شخصیت و ماهیت خود بیشتر دور شدند ، و در یک حرکت جدید با بازگشت دوباره به سوی منیت خویش و توجه به سرشت و طبیعت و احتیاجات حقیقی خودرا ، در میان معنویت ، هویت خویش را در «عفاف و حجاب» جستجو کردند .

نگاهی به مبانی «حجاب و عفاف» که برخاسته از حقایق دین و در افق بالاتر از عالم ماده تدوین و تبیین شده است ، در عصر برهنگی ، تنها پاسخ مثبت و حقیقی به نیازهای درونی و بازگشت به گرایش های فطری جامعه انسانی است که سلامت ،امنیت ، معنویت و کمال را در خانواده و اجتماع میسور می سازد ؛ و این انتخاب تنها راه رسیدن به کمال و سعادت الهی است ، مبانی و ریشه و راه های این حقیقت را می توان از بطن قرآن و روایت های اصیل اسلامی به دست آورد .

از این روی در این مقاله «مبانی عفاف و حجاب» از قرآن مورد نقد و بررسی قرار گرفته است . روش تحقیق به صورت تحلیل محتوای است که به شیوه کتابخانه ای جمع آوری شده است . امید است این تحقیق در توسعه فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه تأثیرگذار باشد .

مفهوم حجاب

حجاب را از دو بعد لغوی و اصطلاحی می توان تعریف کرد که در بعد لغوی در ساده ترین تعریف حجاب به معنی پوشش و فاصله میان دو چیز معنا شده است ؛ چنان که ابن منظور می نویسد : «الحجاب :الستر ... و الحجاب اسم ما احتجب به وکل ما حال بین شیئین : حجاب ... و کل شی ءٍ منع شیئاً فقد حجبه ...»۱ ؛ (ابن منظور ، ۲۰۰۰ م ، ج ۴ : ۳۶) «حجاب به معنای پوشانیدن است و اسم چیزی است که پوشانیدن با آن انجام می گیرد و هرچیزی که میان دو چیز ، جدایی می اندازد، حجاب گویند و هر چیزی که مانع از چیز دیگر شود او را حجب نموده است .»

و در کلامی دیگر خداوند منّان می فرماید :

«و من بنینا و بینک حجاب.»۲ (سوره فصلت : آیه ۵)؛

«میان ما و شما حاجز و فاصله ای در نحله و دین وجود دارد ، نیز بدین معنا به کار رفته است .»

شهید مطهری در مورد واژه «حجاب با تأکید بر مفهوم پوشش بیان می کنند : «کلمه ی حجاب هم به معنی پوشیدن است و هم به معنی پرده و حاجب . بیشتر استعمالش به معنی پرده است . این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده وسیله ی پوشش است ، و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت هر پوششی حجاب نیست ، آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد . در قرآن کریم در داستان سلیمان ، غروب خورشید را این طور توصیف می کند : «حَتّی تَورات بالحجاب»۳ ، (سوره ص :آیه ۳۲) «تا آن وقتی که خورشید در پشت پرده مخفی شد .» ، پرده ی حاجز میان قلب و شکم را «حجاب» گویند .۴(مطهری ، ۱۳۵۳ : ۶۳)

در کتب لغت فارسی نیز برای واژه ی «حجاب» معنای مختلفی مانند : «پرده ، ستر ، نقابی که زنان چهره ی خود را به آن می پوشانند ، روی بند ، برقع ، چادری که زنان سرتاپای خود را بدان می پوشانند .» ۵ (معین ، ۱۳۷۹ ، ج ۱ :۱۳۴۰ / عمید ، ۱۳۶۷ : ۵۵۷) آمده است . در کل می توان گفت حجاب به معنی پوشش ، بدیهی ترین تعریفی است که می توان به آن اشاره کرد .

به نظر می رسد واژه «ستر» در طول زمان به «پوشش» تغییر یافته است که زن در پس پوششی مانند حجاب خود را در جامعه از گزندهای مختلف مصون می دارد . چنان که «حجاب در علومی چون عرفان و طب و شاید دیگر علوم اصطلاح خاصی دارد ؛ اما این واژه در قرآن و حدیث نیز با عنایت به همین معنای لغوی به کار رفته و معنای خاصی پیدا نکرده است . در دوران متأخر این واژه معنای اصطلاحی خاصی پیدا کرده و به پوشش خاص زنان اطلاق شده است .»۱ (جمشیدی ، ۱۳۸۶ : ۲)

«شهید مطهری در مورد واژه «ستر» و تغییر آن به «پوشش» می نویسد:« مورد استعمال کلمه ی [ستر به پوشش در مفهوم] حجاب در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدیدی است . در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء ، کلمه ی «ستر» که به معنی پوشش است به کار رفته است . فقها چه در کتاب الصلوه و چه در کتاب النکاح که متعرض این مطلب شده اند ،کلمه ستر را به کار برده اند، نه کلمه ی حجاب را . بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و ما همیشه همان کلمه ی پوشش را به کار می بردیم ، زیرا چنان که گفتیم معنی شایع لغت حجاب ، پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده ی زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود . پوشش زن در اسلام ، این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد .»۲ (مطهری ، ۱۳۵۳ : ۶۴)

سیر تاریخی حجاب

بنابر گواهی متون تاریخی ، در اکثر قریب به اتفاق اقوام و ملل ، حجاب در میان زنان معمول بوده ، هر چند فراز و نشیب های زیادی را طی کرده است و گاهی با اعمال سلیقه ی حاکمان تشدید یا تخفیف یافته است ولی هیچ گاه به طور کامل از میان نرفته است .

«مورخان به ندرت از اقوامی بدوی یاد می کنند که زنان شان دارای حجاب مناسب نبوده یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند . تعداد این اقوام به قدری نادر است که در مقام مقایسه – به قول اندیشمندان – قابل ذکر نیستند و شاید بتوان گفت : وجود برخی موانع سبب جلوگیری از بروز تمایلات و استعدادهای فطری و طبیعی آنان شده است و یا عواملی باعث انحراف آنان از مسیر فطرت گشته است .»۳ (محمدی آشنانی ، ۱۳۷۳ : ۲۲)

شهید مطهری در مورد این که کدامین اقوام دارای حجاب بوده اند چنین بیان می کند : «در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آن چه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است اما در عرب جاهلیت حجاب وجود نداشته است و به وسیله ی اسلام در عرب پیدا شده است .»۴ (مطهری ،۱۳۵۳: ۵)

مهدی قلی هدایت در کتاب خاطرات و فطرت زنانه پوشش در ملل مختلف می گوید :

«اگر به لباس ملی کشورهای جهان بنگریم به خوبی حجاب و پوشش زن را در می یابیم . براون واشنایور ، نویسنده ی غربی ، در کتابی به نام پوشاک اقوام مختلف ، پوشاک اقوام گوناگون جهان از عهد باستان تا قرن بیستم را به صورت مصور ارائه کرده اند . نگاهی کوتاه به این کتاب روشنگر این واقعیت است که در عهد باستان در میان یهودیان ، مسیحیان ، زرتشتی ها ، یونانیان و اهالی روم ، آلمان ، خاور نزدیک و برخی مناطق دیگر پوشش زن به طور کامل رعایت می شده است ، به گونه ای که زنان چین در معابر عمومی جز در پرده و ملحفه ظاهر نمی شدند و در خانه نیز دارای اندرونی و بیرونی بوده اند.»۱ (هدایت ، ۱۳۶۳ : ۴۰۵)

در مجموع می توان گفت حجاب به معنای یک رفتار انسانی در طول تاریخ با فراز و نشیب های فراوانی همراه بوده و گرایش های مختلفی در هر دوره بر نوع حجاب افراد مؤثر بوده است . اگر چه رسم حجاب در بین اقوام غیر عرب مانند ایران باستان ، اروپا ، قوم یهود و ... مرسوم بوده است . اسلام ، نه تنها واضح قانون حجاب نبوده است ، بلکه در جهت جلوگیری از افراط و تفریط هایی که در طول تاریخ در مورد حجاب به وجود آمده بود، به قانونمند کردن و تنظیم و تخفیف آن همت گماشته است و آن را به صورتی متعادل ، صحیح و متناسب با فطرت انسانی زن ارائه نموده است .

مبانی حجاب در قرآن

حجاب در کلام الله مجید در سوره های نور و احزاب به صراحت و وضوح تبیین شده است . «در این آیات شریفه حدود حجاب ، آثار و کارکردهای آن بیان گردیده است ؛ در حقیقت ، حجاب زن مسلمان به فتوای همه ی مراجع معروف تقلید در این زمان یکی از ضروریات دین است .»۱ لزوم پوشیدگی زن براساس شش دلیل قطعی قابل اثبات است که هر یک به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب کافی است :

۱- قرآن کریم ،

۲- روایات شریفه ،

۳- سیره ی اهل بیت علیه السلام ،

۴- براهین عقلی ،

۵- فطرت و طبیعت انسانی و تاریخ .

نکته مهم در بررسی حجاب از نظر دین مبین اسلام ، این است که نگرشی مطابق با فطرت و هویت حقیقی زنان است که نه تنها یک بُعدی نبوده ، بلکه همه ی ابعاد و جوانب شخصیت زن مسلمان در بُعد مادی و معنوی را مدّ نظر قرار داده است . از این روی در این مقاله حجاب تنها از دیدگاه قرآن و

روایت ها مورد بررسی قرار گرفته است که حجاب فیزیکی بدن ، حجاب در نگاه ، گفتار ، رفتار و در قلب را می توان اشاره کرد .

حجاب فیزیکی بدن

این بُعد همان محوری است که مورد توجه اکثر دانشمندان ، علما ، فقها و روشنفکران بوده است . این بخش از حجاب محسوس ترین و ملموس ترین بُعد می باشد . در آیات شریفه قرآن کریم «در سوره نور و احزاب» به این بُعد از حجاب با عنوان «خُمار» و «جلباب»تأکید ویژه شده است .

خمار

قرآن کریم از دو نوع حجاب و شیوه ی پوشش زن سخن به میان آورده است : «خمار» و «جلباب» ؛ از خمار در آیه سوره نور سخن گفته شده است : «وَلیضرِبنَ بِخُمُرِ هِنَّ عَلی جُیوبِهِنَّ»۲ ؛ (سوره نور ، آیه ۳۰) «خمارهای خود را بر گریبان های خویش بیفکنید .» که این قسمت آیه بیان گر کیفیت پوشش است که زن باید آن را بپوشاند .

«خمر» ، جمع خمار است و در کتب لغت آمده است : «الخمار ثوب تغطی به المرأه أسما»۳ ؛ (راغب اصفهانی ، ۱۹۹۲ م : ۲۹۸) «خمار لباسی است که زن سر خود را با آن می پوشاند .» آقای مصطفوی در التحقیق فی کلمات القرآن می نویسد : «خمر و خمار به معنی ستر و پوشش است . شراب را خمر گویند ؛ زیرا حواس ظاهری و باطنی را می پوشاند . به روسری زن نیز خمار گویند ؛ زیرا به وسیله آن سرش را می پوشاند .»۴ (مصطفوی ، ۱۳۶۰ ،چ ۳ : ۱۲۹) ابن عباس در تفسیر این بخش از آیه ی شریفه می گوید : «تغط شعرها و صدرها و ترائبها و سوالصفا» ۵ ؛ (طبرسی ، ۱۳۸۰ ، چ ۷ : ۱۸۵) «زن موی سر، سینه و دور گردن و زیرگلوی خود را بپوشاند .»

«آنچه می تواند به این فرمان الهی جامه ی عمل بپوشاند ، مقنعه یا روسری بلندی است که علاوه بر پوشش کامل سر ، بر روی گردن و سینه افتد .»۱ (بیرقی اکبری ، ۱۳۷۷ : ۳۸) و شهید مطهری معتقد است : «ترکیب لغوی «ضَرَب علی» در لغت عرب این معنا را می سازد که چیزی را بر روی چیز دیگر قرار دهند ، به طوری که مانع و حاجبی برای او شمرده شود .»۲ (مطهری ، ۱۳۵۳ : ۱۳۸) براساس آیه ی شریفه و تفسیر ابن عباس ، این پوشش سرهر چه که هست ، اعم از شال ، روسری ، مقنعه باید مو ، سینه ، دورگردن و زیرگلوی زن را بپوشاند .

«در زمان جاهلیت و صدر اسلام زنان عرب غیرمسلمان لباس های بلند و گشاد می پوشیدند ، برسر یا شانه خود عبا می انداختند و پوششی کوتاه و کوتاه تر از جلباب روی سرشان می بستند . شهید مطهری به نقل از تفاسیر معتبر از جمله تفسیر کشاف بیان می کنند که زنان عرب معمولاً پیراهن هایی می پوشیدند که گریبان های شان باز بود ، دور گردن و سینه را نمی پوشاند و روسری هایی هم که روی سر خود می انداختند از پشت سر می آویختند ، قهراً گوش ها و بناگوش ها و گوشواره ها و جلوی سینه و گردن نمایان می شد . این آیه دستور می دهد که باید قسمت آویخته ی همان روسری ها از دو طرف روی سینه و گریبان خود بیافکنند تا قسمت های یاد شده پوشیده گردد .»۳ (همان : ۱۳۶ و ۱۳۷)

در ذیل این آیه محمدبن یعقوب کلینی در کافی به سند خود از محمدبن یحیی ، از احمد بن محمد بن حکم از سیف بن عمیره از سعد اسکاف از ابی جعفر علیه السلام چنین روایت می کند که فرمودند :

«استقبل شابٌ من انصار امراه بالمدینه و کان النساء یتفلعن خلف آذانهّن فنظر المیعاد مقبلد فلمّا جازت نظر المیعاد و دخل فی زقاق قد سماه ببنی فلان فجعل ینظر خلفها و اعترض وجهه عظم فی الحائط أو زجاجه فشقّ وجهه فلمّا مفت الامرأه نظر فاذا الدماء تسیل علی صدره و ثوبه ؛ فقال ، والله و آتین رسول الله (ص) و لأخبرنّه قال : فأتاه فلمّا رآه رسول الله (ص) قال له ما هذا . فأخبره . فهبط جبرئیل علیه السلام بهذه الآیه اقُل لِلمُؤمِنینَ یغُضُّوا مِن اَبصارِهِم وَ یحفَظوا فُرُوجَهُم ذلک أزکی لَهُم إنَّ اللهَ خَبیر بما یصنَعونَ .»۱ (کلینی ، ۱۴۱۳ هـ . ق ، ج ۵ : ۵۲۰)

«یکی از جوانان انصار با زنی از اهالی مدینه روبه رو شد در آن زمان ، زنان مقنعه خود را پشت گوش می بستند . جوان به زن ، که از رو به رو می آمد ، آن قدر نگاه کرد که زن از مقابل او گذشت و رفت . جوان درحالی که هم چنان از پشت سر ، آن زن را نگاه می کرد ، وارد کوچه بنی فلان شد که ناگاه استخوان یا شیشه ای که در دیوار بود ، صورت او را درید . وقتی زن رفت ، ناگاه جوان متوجه شد که خون روی لباس و سینه اش ریخته است ؛ با خود گفت : به خدا حتماً نزد رسول الله (ص) می روم و ماجرا را توضیح می دهم . جوان نزد پیامبر (ص) آمد . وقتی که رسول خدا (ص) او را دید پرسید : این چیست ؟ جوان ماجرا را توضیح داد . جبرئیل در این هنگام بر پیامبر چنین خواند : «به مردان بگو که چشمان خویش را ببندند و شرمگاه خود را نگاه دارند ، این برای شان پاکیزه تر است ؛ زیرا خدا به کارهایی که می کنند آگاه است .» ۲ (سوره نور ، آیه ۳۰)

جلباب

نوع دوم پوشش جلباب است که در سوره احزاب بدان تصریح شده است : «یا أیهَا النَبی قُل لِأزواجِکَ و بَناتِکَ وَ نِساءِ المُؤمِنینَ یدُنینَ عَلَیهِنَّ مِن جَلا بیبهنَّ ذلِکَ أدنی أن یعرِفنَ و لایوذَینَ و کان الله غفوراً رحیماً .»۱ (سوره احزاب ، آیه ۵۹)

«ای پیامبر ، به زنان و دخترانت و زنان مؤمن بگو : جلباب های خود را به هم نزدیک سازند تا با این پوشش بهتر شناخته شوند و از تعرض هوس رانان آزار نبینند و خداوند بخشنده و مهربان است .»

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه شریفه آورده است : «الجلابیب جمع جلباب و هوثوب تشتمل به المرأه فیغطّی جمیع بدنها او الخمار الذی تغطّی به رأسها و وجهها .»۲ (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ . ق ، ج ۱۶ : ۳۶۱) «جلابیب جمع جلباب است و آن لباسی است که زن آن را در بر می کند و همه بدن خود را می پوشاند یا مقنعه ای است که سر و صورت خود را به آن می پوشاند .» زمخشری نیز در کشاف به نقل از ابن عباس همین معنی را به کار برده است و می گوید : «الرداء الذی سیته من فوق الی اسفل»۳ (زمخشری ، ۱۳۵۲ ، ج ۳ : ۵۵۹) «در جلباب ردایی است که سراسر بدن را از بالا تا پایین را می پوشاند . »

ابن منظور نیز در لسان العرب جلبا را لباس بلند معنا کرده و می نویسد : «الجلباب ثوب اوسع من الخمارد دون الرداء تغطی به االمرأه راسها و صدرها و قیل هوثوب واسع دون الملحفه تلسبه المرأه و قیل هو الملحفه»۴ ؛ (بیرقی اکبری ، ۱۳۷۷ : ۴۴) «جلباب لباسی بزرگ تر از سرپوش و کوچک تر از رداست که زن سر و سینه خود را با آن می پوشاند و گفته شده است لباسی بزرگ است که از محلفه کوتاه تر است و زن آن را می پوشد و گفته شده است همان ملحفه است .»

واژه ادناء در تفاسیر «هم به معنای دنو (نزدیک کردن) آمده .»۵ (فیض کاشانی ، بی تا ، ج ۴ : ۲۰۳) و «هم به معنای ارحاء و اسدال و آویختن .» ۶ (زمخشری ، ۱۳۵۲ : ۵۶۵) آیه شریفه می فرماید :

«یدنینَ عَلَیهِنَّ مِن جلا بیهِّن ذلِکَ أدنی أن یعرِفنَ فَلا یؤذَینَ ...» معنای آیه این است که زنان مسلمان باید جلباب های شان را به خود نزدیک کنند یا بر سر بیاویزند تا شناخته شوند به اینکه زن مسلمان آزاد هستند . »۷ (فیض کاشانی ، بی تا ، همانجا) یا« شناخته شوند به این که پوشیده و با عفت هستند .»۸ (طباطبایی ،۱۳۹۶ هـ .ق، همانجا)

علاوه بر مباحث لغت شناسی ، چند نکته ویژه نیز در آیه ی جلباب وجود دارد :

۱- تأخیر نزول آیات مورد نظر در سوره ی احزاب پس از آیات خمار در سوره ی نور .»۱ (عابدینی ، بی تا : ۷) با توجه به مسئله تدریجی بودن احکام ، این نظر محتمل است که آیه ی خمار دستور نخستین و آیه ی جلباب دستور نهایی آن است ؛ حجاب برگزیده و برتر مورد نظر اسلام حجاب جلباب است .

۲- عمومیت آیه ی جلباب بر همه ی زنان مؤمن و زنان و دختران پیامبر (ص) به عنوان یک حکم نهایی و استثنا ناپذیر .» ۲ (هدایت خواه ، ۱۳۷۴ : ۱۸۴)

۳- دستور بر نحوه ی پوشش جلباب با عنوان «یدنین علیهن من جلابیبهن» با چیزی مانند عبا و چادر سازگارتر است تا با لباس و روسری ؛ زیرا شکل لباس سراسری به گونه ای است که باید اطراف آن را به یکدیگر نزدیک کرد و بر روی هم قرار داد تا بدن را بپوشاند .

۴- اثر اجتماعی پوشش جلباب در این آیه ی شریفه ذکر شده است در حالی که این اثر برای پوشش خمار بیان نشده : «ذلک أدنی ان یعرفن فلا یؤذین» ن آن آن

؛ این پوشش جلباب نزدیک ترین چیزی است که به وسیله ی آن ایمان و عفاف تعیین می یابد و همان طور که گفتیم به این وسیله زنان مؤمن و عفیف بهتر شناخته می شوند تا از تعرض هوس رانان آزار نبینند ؛ از همین رو اراذل و اوباش مجبور می شوند حساب این زنان متین و پوشیده را از زنان کنیز و .... جدا نمایند .

هم چنان که در شأن نزول آیه آمده است : «فانه کان سبب نزولها ان النساء کن یخوص الی المسجد و نعیلین حلف رسول الله (ص) و اذا کان بالیل حرجن الی صلاه المغرب و العشاء الاخر و الغداه یقعد الشباب لهن فی طریقهن فیوذونهن و یتعرضون لهن فانزل الله «یا اَیها النَبِی قُل لِاَزواجِکَ و نباتک و نساء المؤمنین ...» الی قوله »۳ ؛ (قمی ، ۱۳۷۸ هـ . ق ، ج ۲ : ۱۹۹) سبب نزول آیه این بود که زنان برای گزاردن نماز مغرب پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله از منزل خارج می شدند و شب هنگام که برای گزاردن نماز مغرب و عشاء و نماز صبح به سوی مسجد می رفتند ، جوانان بر سر راه آنان می نشستند و به آزار و اذیت زنان نمازگزار می پرداختند ، در این هنگام این آیه شریفه نازل شد و به آنها دستور داده شد حجاب خود را به طور کامل رعایت کنند تا به خوبی شناخته شوند و کسی بهانه ی مزاحمت پیدا نکند .

در سوره ی مبارکه نور آیه ی شریفه ۳۱ دو نهی وجود دارد . نهی مورد نظر در این مبحث «و لایبدین زِینَتُهنَّ» است ؛ «زنان نباید زینت خود را آشکار سازند .» ؛ و بلافاصله بعد از آن عبارت «اِلّا ما ظَهر مِنها» آمده است ؛ «زینت هایی که آشکار هستند مشمول این نهی نمی باشند .»

در تعیین این که از زینت ها چه زینت هایی نباید آشکار شوند ، میان فقها اختلاف رأی وجود دارد . کلمه ی «زینت» در زبان عربی عام تر از واژه ی «زیور» در زبان فارسی است ؛ زیرا زیور به زینت

هایی گفته می شود که از بدن جدا می شود ؛ مانند طلاجات و جواهرات ، ولی کلمه زینت هم به این دسته گفته می شود و هم به آرایش هایی که به بدن متصل است ؛ مانند سرمه و خضاب .» ۱ (مطهری ، ۱۳۵۳ : ۱۲۸)

«مفاد این دستور آن است که زنان نباید آرایش و زیور خود را آشکار سازند ؛ اما استثنای اول می گوید : پوشش زینت هایی که آشکار است، لازم نیست . پس زینت های زن بر دو نوع است : یک دسته آشکارند و نوع دیگر مخفی ، مگر آن که زن به قصد و عمد بخواهد آن را آشکار کند ؛ اما سؤالی که در اینجا پیش می آید این است که زینت آشکار کدام است و زینت پنهان کدام ؟ درباره ی این انشاء از قدیم ترین زمان ها از صحابه و تابعین و ائمه ی طاهرین :سؤال می شده و به آن جواب داده شده است .»۱ (همان : ۱۲۹)

ایشان در پایان این مبحث تصریح می کنند : «ما این مسئله را از نظر خودمان بیان می کنیم و استنباط خودمان را ذکر می کنیم و اما هر یک از آقایان و خانم ها از هر کس که تقلید می کنند عملاً باید تابع مرجع تقلید خودشان باشند .»۲ (همان : ۱۳۵) شهید مطهری در این مبحث معتقد است : «پوشاندن چهره و دست ها تا مچ واجب نیست ؛ حتی آشکار بودن آرایش عادی و معمولی که در این قسمت ها وجود دارد ، مانند سرمه و حنا که معمولاً زن از آن خالی نیست و پاک کردن آنها یک عمل فوق العاده به شمار می رود نیز مانعی ندارد . ایشان تأکید می کنند که نظرشان با فتوای بعضی از مراجع تقلید تطبیق می کند، ولی ممکن است که با فتوای برخی دیگر تطبیق نکند ؛ گرچه یادآوری می کند که فتوای مخالفی وجود ندارد و هر چه هست احتیاط است نه فتوای صریح .» ۳ (همان، همانجا)

حجاب در نگاه

بُعد دیگر حجاب از دیدگاه قرآن و روایات در «نگاه» است . این بخش از حجاب بعد از بُعد اول ، شناخته شده ترین بُعد از ابعاد حجاب است و دستور صریح قرآن کریم بر این بُعد از حجاب دلالت دارد . که حجاب هم برای زن و هم برای مرد است ، هم چنان که خداوند در سوره ی مبارکه نور به مردان و زنان به طور جداگانه امر می کند که چشم های خود را فرو افکنند : «قُل لِلمؤمِنینَ یغُضُّوا مِن اَبصارِهِم» و «قُل لِلمؤمِناتِ یغضُضنَ مِن أبصارِهنَّ» .۴ (سوره نور آ آیات ۳۰ و ۳۱)

اصطلاح «غضّ بصر» در لغت به معنای فرو افکندن چشم می باشد و نه فروبستن آن . «غض» به تنهایی به معنای کاستن ، تخفیف و نگهداری است که هم برای صدا استفاده می شود و هم برای چشم ؛ برای مثال آیه ی ۱۹ سوره لقمان می فرماید : «واغضُض مِن صَوتِکَ» ؛ «صدای خود را کوتاه کن .»۵ (قریشی ، ۱۳۷۸ ، ج ۵ : ۱۰۵ و ۱۰۴)

شهید مطهری با تأمل در لغت عرب می فرماید : «غض بصر» با «غمض عین» متفاوت است . «غمض» به معنای فروبستن است که با کلمه عین همراه می شود نه کلمه بصر . شهید مطهری «با مبنای فلسفی خود نگاه را به دو دسته ی «استقلالی» و «آلی» تقسیم می کند . «در نگاه استقلالی» یعنی این که نگاه کردن به کسی یا چیزی برای خوب تماشا کردن و ورانداز کردن آن برای ارزیابی آن ؛ اما «نگاه آلی» یعنی نگاه کردنی که خودش هدف نیست ، بلکه به عنوان مقدمه و وسیله سخن گفتن است . بر این اساس ، امر الهی به زنان و مردان مؤمن ، پرهیز از نگاه استقلالی است نه نگاه آلی ؛ یعنی پرهیز کردن از نگاهی که هدفش صرفاً تماشا کردن و لذت بصری بردن و چشم چرانی است .»۱ (مطهری ۱۳۵۳ : ۱۲۴ و ۱۲۳)

«بصر» نیز در لغت عرب به ابزار بینایی ، یعنی چشم گفته می شود و هم به حس بینایی و گاهی نیز به دلالت التزامی به معنای علم است، دلالت دارد .»۲ (قریشی ، ۱۳۷۸ : ج ۱ ، ۱۹۵)

از مطالب مزبور نکات ذیل را می توان بدست آورد :

۱– امر جداگانه نه به مردان و زنان مؤمن به خاطر تأکید این امر .

۲ – تقدم امر به مردان پیش از زنان ؛در این دستور مشترک ابتدا مردان مورد خطاب الهی قرار گرفته اند و پس از آنان زنان ؛ و این امر شاید دلالت بر ضرورت و اولویت این نوع از حجاب در میان مردان داشته است .

۳ – تعلق گرفتن امر به مردان و زنان مشروط به شرط ایمان : لازمه ی ایمان مردان و زنان مؤمن پرهیز از چشم چرانی است ؛ در حقیقت بخشی از ایمان افراد مؤمن در گرو پاک داشتن چشم شان از آلودگی ها ، لذت های حرام و آلودگی های بصری است .

حضرت رسول (ص)در زمینه نگاه و حرمت آن می فرمایند : «از نگاه بعد از نگاه بپرهیز ؛ زیرا نگاه اول از آن توست و ناخواسته است ، اما نگاه دوم به زیان توست و عمدی می باشد و نگاه سوم ویران گر است . »۳ (محمدی ری شهری ، ۱۳۷۷ ، ج ۱۳ : ۳۲۵) و «امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند : نگاه بعد از نگاه ، بذر شهوت در دل می کارد و این خود برای به گناه کشاندن و به فتنه انداختن صاحبش کافی است .»۴ (همان : همانجا)

حضرت رسول (ص) می فرمایند : «پیرامون نگاه حرام و تبعات آن هر که چشم خود را از حرام پرکند ، خداوند در روز قیامت چشم او را از آتش پر می کند ، مگر این که توبه کند و از عمل خود دست بردارد .» ۵ (همان : ۶۳۲۳) نکته ی مهم آن است که پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه های حرام اگر چه در روایات بیشتر مربوط به مردان است ولی همان گونه که آیات شریفه نیز تصریح شد ، پرهیز از نگاه خیانت کارانه و نگاه هوس آلود به نامحرم در مورد زنان نیز صدق می کند ؛ از این رو حضرت رسول (ص) می فرمایند : «خشم خداوند سخت است بر زن شوهرداری که چشم خود را از غیرشوهر خود یا از کسی که محرم او نیست پرکند .»۱ (همان : همانجا)

آن چه به «غض بصر» کمک می کند ، در نظر گرفتن قدرت خداوندی است که از نهانی های انسان ، آگاه است و ادراک و مشاهده ی عظمت و جلال خداوند در دل ، یاور انسان در حفظ چشم از نگاه به محرمات الهی است . حضرت رسول (ص) می فرمایند : «بسته شدن چشم ها از حرام عامل بازدارنده ی خوب و توانمندی است برای تهذیب نفس و پاک کردن دل از خواهش های نفسانی .» ۲ (همان : ۶۳۱۷) تأمل در این دستور الهی سخنان معصومین :حرمت روابط اجتماعی و حفظ خانواده را تداعی می کند که اسلام می خواهد جامعه ای سالم و بدور از حرام داشته باشد تا همه ی اقشار بدور از جنسیت بتوانند با امنیت و مصونیت؛ در جامعه کارکردهای خود را به نحو احسن انجام دهند .

حجاب در گفتار

تبیین روشن وحی در باب نحوه ی سخن گفتن زنان مؤمن با مردان ، یکی از مهم ترین ابعاد حجاب است که در قرآن ذکر شده است که حتی لحن سخن گفتن زنان را در بُعد روانشناسانانه مدّنظر قرار

داده است . حجاب در گفتار در آیات شریفه ی قرآن کریم مؤکداً در مورد نحوه ی گفتار زنان به نامحرم است آنجا که می فرماید :

«فلا تَخضَعنَ بالقَول فَیطمَعَ اَلّذی فی قَلبِه مَرَضٌ وَ قُلنَ قَولاً مَعروفاً .»۳ ؛ (سوره احزاب ، آیه ۳۲) «با خضوع در گفتار سخن نگویید که بیمار دل طمع ورزد ، بلکه شایسته و متعارف سخن گویید .»

مخاطب نخست آیه ی شریفه ، زنان رسول خدا (ص) هستند و سپس تمام زنان مؤمن ؛ علامه طباطبایی می نویسد :« معنای خضوع در کلام آن است که در برابر مردان آهنگ سخن گفتن را نازک و لطیف کنند تا دل او را دچار ریبه وخیال های شیطانی نمود ، شهوتش را برانگیزند و در نتیجه آن مردی که بیمار دل است به طمع بیفتد و منظور از بیماری دل ، نداشتن نیروی ایمان است ؛ آن نیرویی که آدمی را از میل به سوی شهوات حرام باز می دارد . » ۱ (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ . ق : ۴۸۲)

بنا به نظر شهید مطهری «مسئله جو از استعماع صدای زن جزء مسلمات است و دلیل آن سیره ی قطعی رسول خدا (ص) و ائمه اطهار علیهم السلام است و دلیل دیگر آن سیره ی قطعی و رایج میان مسلمانان می باشد .» ۲ (مطهری ، ۱۳۵۳: ۲۴۳)

ایشان از مرحوم آیت الله طباطبایی یزدی در عروه الوثقی نقل می کنند که :

«لابأس صوت الاجنبیه مالم یکن تلذذ و لاریبه من غیرفوق بین الاعلی و البصیر و إن کان الاحوط الترک فیغیر مقام الضروره و یحرم علیها اسماع الصوت الذی فیه تهییج للسامع بتحسینه و ترقیقه . قال تعالی : فَلا تَخضَعنَ بِالَقول اَلّذی فی قَلبِه مَرَض .» ؛

«شنیدن صدای زن در صورتی که تلذذ و ریبه نباشد ، جایز است ولی در عین حال مادامی که ضرورت نیست ترک آن بهتر است و بر زن حرام است که بخواهد صوت خود را نازک کند و نیکو سازد ، به طوری که تحریک آمیز باشد ؛ چنان که خدای متعال در قرآن خطاب به زنان پیغمبر (ص) می فرماید : در حرف زدن صدا را نازک و مهیج نکنید که موجب طمع بیمار دلان گردد .» ۳ (همان : ۲۴۳ و ۲۴۲)

علامه طباطبایی معتقد است : «آیه ی مذکور در مجموعه ی آیاتی قرار دارد که به همسران رسول خدا (ص) مربوط است و به آنان تذکر می دهد که از دنیا و زینت آن جز عفاف و رزق کفاف بهره ای ندارد ؛ البته در صورتی است که بخواهند همسر او باشند ، و گر نه مانند سایر مردم اند .»۴ (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ .ق : ۴۷۶)

به بیان دیگر شارع مقدس با نهی زنان از خضوع در گفتار با نامحرم ، آنان را به حصار امن تقوا دعوت نموده است تا خود و جامعه را از مصایب بی تقوایی و بی پروایی ایمن نگه دارند ؛ چرا که نوع سخن گفتن زن از بی حجابی و بدحجابی فیزیکی اغواکننده تر است و به همین دلیل ، خداوند متعال همسران پیغمبر را به طریق اولی از آن نهی کرده است . نکته دیگر در آیه شریفه این است که اگر مردی دارای تقوای قلب باشد ، حتی کلامی چنین آلوده به دعوت های باطل دلش را به هوس نمی اندازد ؛ چرا که آیه شریفه می فرماید : «فیطمع الذی فی قَلبه مرضٌ»۱ ؛ (سوره احزاب ، آیه ۳۲) یعنی اگر زنی بی تقوایی کند و حجاب در گفتار را رعایت ننماید ، تنها مردان بیماردل هستند که در دام شیطان می افتند و مردان با تقوا در قلعه ی ایمان در امانند .

حجاب در رفتار

مقصود از حجاب در رفتار اعمال و افعالی است که به واسطه ی اعضا و جوارح پدید می آیند . آن چه به حجاب در رفتار تعلق می گیرد ، مجموع چند امر و نهی الهی است :

۱) آشکار ساختن زینت های پنهان : خداوند در سوره مبارکه نور می فرماید :

«ولایضر بنَ بار جُلِهِنَّ لِیعلَمَ ما یخفینَ مِن زینَتِهِنَّ» ؛(سوره نور، آیه ۳۱)

«به زنان مؤمن بگو آن گونه بر زمین پای نزنند که خلخال و زینت پنهان پاهای شان معلوم شود .»

نهی مذکور در آیه ی شریفه مرتبط با بحث زینت در حجاب فیزیکی است و از به جلوه درآوردن و اظهار زینت های پنهان زنانه سخن می گوید . اظهار نمودن بدون ظاهر نمودن ، یعنی سهل انگاری یا مکر زنانه در جلوه گری و خود نمایی . خداوند متعال در آیه ی شریفه از نحوه ی خاصی از راه رفتن نهی نموده است ؛ راه رفتنی که دیگران را به زینت های پنهانی زن آگاه می کند .

شهید مطهری در ذیل آیه شریفه چنین می گوید : «زنان عرب معمولاً خلخال به پا می کردند و برای آن که بفهمانند خلخال قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم بر زمین می کوفتند . از این دستور می توان فهمید که آنچه موجب جلب توجه مردان می گردد ؛ مانند استعمال عطرهای تند و زننده و هم چنین آرایش های جالب نظر در چهره ممنوع است و به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری بکند که موجب تحریک و تهییج و جلب توجه مردان نامحرم گردد .»۲ (مطهری ، ۱۳۵۳ : ۱۴۵)

برخی دیگر از صاحب نظران معتقد هستند آن چه در این بخش از آیه ی شریفه از آن نهی شده است ، آشکار شدن هر گونه زینت و زیبایی های زنانه است که پنهان است و باید پوشیده بماند و این اعم از صدای النگو و صدای پاشنه کفش است که موجب جلب توجه نامحرم به خود زن یا پای زن می باشد . از سوی دیگر ، زینت پنهان می تواند پوشیدن لباس ها و زینت های خاصی در زیر چادر باشد که با اندک کنار رفتن چادر ، آن زینت ها آشکار شده و ناقض حجاب می گردد . » ۱ (شجاعی ، ۱۳۸۵ : ۱۷۷)

۲) استعمال عطر : از جمله مواردی که به شدت از آن نهی شده است ، این است که زن به هنگام خروج از خانه خود را معطر سازد ، به طوری که بوی عطر وی به مشام نامحرم برسد . حضرت پیامبر (ص) می فرمایند : «هر زنی که به خود عطر بزند و از خانه اش خارج شود تا وقتی که به خانه اش برگردد لعنت و نفرین می شود [تا] هر وقت که برگردد .» (شعبه الحرانی ۱۳۶۳: ۴۲)آن چه مسلم است ، این است که عطر زدن برای خانم ها نه تنها اشکالی ندارد بلکه استحباب نیز دارد ، به خصوص که برای همسر باشد . آن چه که از آن نهی شده این است که زن موقع بیرون رفتن از منزل و یا موقعی که با نامحرم در تماس است ، طوری عطر بزند که بوی آن به مشام نامحرم برسد و ایجاد مفسده کند .»۲ (همان ، ص ۱۷۸)

۳) آرام گرفتن در خانه و پرهیز از تبّرج جاهلی : در آیه ی شریفه ۳۳ سوره احزاب به زنان پیامبر (ص) علاوه بر تقوا ، امر می شود که در خانه های خود آرام و قرار گیرند و هم چون جاهلیت نخستین در میان جمعیت ظاهر نشوند .» ۳ (سوره احزاب ، آیه ی ۳۳)

«کلمه ی «قَرن» امر از ماده ی قرء است که به معنای پا برجا شدن است و ممکن است از ماده ی قازیقار به معنای اجتماع و کنایه از ثابت ماندن در خانه ها باشد . »۴ (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ .ق : ۴۸۳) و کلمه ی «برج» یعنی آشکار شدن . صاحب مجمع البیان می گوید : «تبّرج آن است که زن

زیبایی های خود را اظهار کند . اصل آن به معنای ظهور است و به عبارتی دیگر ، از آن جهت به آن «برج» گویند که ظاهر و هویداست . زمخشری نیز در کشاف می گوید : «بداو برز» به معنای ظهور و نظیر تبرج هستند . اشتقاق بروج از تبرج است به جهت ظاهر بودن آن ها . براساس نظرات تفسیری مذکور ، معنای آیه شریفه «و تبرجن تبرج الجاهلیه الاولی» ؛ «ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی «جاهلیت اولی» .»۵ (قریشی ، ۱۳۷۸، ج ۱ : ۱۷۴)

نکته ای که در این آیه شریفه مطرح گردیده است «تحرّز و پرهیز از آمیزش و مراوده با مردان بیگانه » اختصاص به زنان رسول خدا (ص) ندارد بلکه و شامل عموم زنان می شود . همان گونه که در روایت های بسیاری آمده است که بهترین محیط زندگی برای زن خانه اش است، حتی ثواب نماز زنان جوان در خانه به مراتب از حضور در مساجد و مجامع بالاتر شمرده شده است و البته این بدان معنی نیست که زن از فعالیت اجتماعی محروم باشند .

مقصود از این دستور زندانی کردن زنان پیغمبر (ص) و هیچ زنی در خانه نیست ؛ زیرا تاریخ اسلام به صراحت گواه است که رسول خدا (ص) زنان خود را با خود به سفر می برد و آنان را از بیرون شدن از خانه منع نمی فرمود . بلکه مقصود از این دستور ، آن است که زن به منظور خودنمایی از خانه بیرون نشود . آن چنان که امروز عده ای از زنان برای بیرون رفتن از خانه و خودنمایی و پرسه زدن در خیابان ها ، ساعت ها در پای میز آرایش به سر و وضع خود و لباس خویش می رسند .» ۱ (هدایت خواه ، ۱۳۶۳ : ۱۸۶)

حجاب در قلب

خداوند متعال در برتری تقوای دل در امر حجاب در سوره احزاب ، آیه ۵۳ می فرمایند :

«واذا سألتموهنّ متاعا فاسئلُوهُنّ مِن وَرَاء حجابٍ ذلکُم اَطهَرُ لِقُلُوبِکم و قُلوبِهنّ» (سوره احزاب ، آیه ۵۳)؛

«هنگامی که از همسران پیامبر (ص) چیزی خواستید از پشت حجاب و پرده از ایشان بخواهید که این کارتان برای دل های شما و دل های ایشان پاکیزه تر است .»

در ذیل آیه صاحب تفسیر نمونه چنین بیان می کند : «هنگامی که رسول خدا (ص) با زینب ازدواج کرد ، ولیمه نسبتاً مفصلی به مردم داد . انس که خادم مخصوص پیامبر (ص) بود می گوید : پیامبر (ص) به من دستور داد که اصحابش را به غذا دعوت کنم ، من همه را دعوت کردم ، دسته دسته می آمدند و غذا می خوردند و از اتاق خارج می شدند ، تا این که عرض کردم : ای پیامبر خدا ؛ کسی باقی نماند که من او را دعوت نکرده باشم ، فرمود : اکنون که چنین است سفره را جمع کنید ، سفره را برداشتند و جمعیت پراکنده شدند ، اما سه نفر هم چنان در اتاق پیامبر (ص) ماندند و مشغول بحث و گفتگو بودند . آیه نازل شد و دستورات لازم را بیان کرد .» (مکارم شیرازی ، ۱۳۷۶ : ج ۳ ، ۶۰۷)

از بعضی قرائن استفاده می شود «که گاهی همسایگان و سایر مردم طبق معمول برای عاریت گرفتن اشیایی نزد بعضی از زنان پیامبر (ص) می آمدند، برای حفظ حیشیت همسران پیامبر(ص) آیه نازل شد و به مؤمنان دستور داد که هر گاه می خواهند چیزی از آنها بگیرند، از پشت پرده بگیرند .»۱ (بابایی ، ۱۳۸۰،ج ۳ : ۶۲۵)

علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه می نویسد : «درخواست متاع از همسران حضرت ، کنایه از این است که مردم با آنها درباره ی حوائجی که دارند، سؤال کنند ؛ یعنی اگر به خاطر حاجتی که برای شما پیش آمده ناگزیر شدید با یکی از همسران آن جناب صحبتی بکنید از پس پرده صحبت کنید، برای این که وقتی از پشت پرده صحبت کنید دل های تان دچار وسوسه نمی شود و در نتیجه ، این روش دل های تان را پاک تر نگه می دارد . »۲ (طباطبایی ، ۱۳۹۶ هـ .ق : ۵۲۸)

نکته حایز اهمیت در این مورد که جزء دستورات ویژه برای زنان پیامبر (ص) است و نه دستور عمومی برای تمام زنان آن است که خداوند این نحوه ی پوشش خاص را برای رعایت حجاب در قلب ذکر می نماید . نکته دیگری که در این آیه ذکر شده است پاک ماندن قلب مردان را پیش از قلب زنان بیان نموده است و چه بسا بتوان از این نکته استفاده نمود که این تقدم نشان دهنده ی آسیب پذیری دل مردان بیش از زنان است ؛ چرا که زنان پیامبر (ص) در مأمن و مأوای زوجیت آن حضرت در امانند ، امّا کسانی که بیش از پیش از ایشان می توانند در معرض خطر باشند، مردانی هستند که به خانه رسول خدا (ص) مراجعه و با زنان ایشان مواجه می شوند ؛ البته زنان نیز باید دل خود را پاک نگه دارند و از این رو ، پرده پوششی و حفظ حجاب و عفاف برای پاکی دل آنان نیز بهتر است .

برای آن که کسی حریم الهی را در حیطه ی تعامل با افراد نامحرم به درستی رعایت نموده و حیطه حجاب و پوشش را حفظ کند ، لازم است بعد قلبی حجاب را جدّی تلقی نماید و در این زمینه ، تسامح و تساهل روا ندارند که دروازه ی دل ، چشم است و «دل کتاب چشم است .»۱ (محمد ری شهری ، ۱۳۷۷ : ۶۳۱۵)

یکی از راحت ترین و مهم ترین راه ها برای حفظ دل ، حفظ نگاه از نامحرم است ؛ به قول شاعر :

زدست دیده و دل هردو فریاد

که هرچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش زفولاد

زنم بر دیده تا دل گردد آزاد

در دنیایی که در تبلیغات رنگارنگ خویش که فرهنگ برهنگی و سقوط اخلاقی و ارزش های انسانی نماد برتری و پیشرفت و توسعه !! را جلوه گر ساخته است ، دین مبین اسلام با فرهنگ پوشش و توجه به هویت انسانی ، معنویت و جاذبه ی روحی و آرامش را در جامعه نمایان گر ساخته است . زیرا قاموس الهی بر اساس فطرت ، هویت ، توانایی و جاذبه های فیزیکی زن و مرد نازل شده است ، که اگر جوامع انسانی اگر تنها به فطرت و دستورات الهی عمل کنند به جایگاه و هویت اصلی خود دست پیدا می کنند و جامعه با امنیت و مصونیت می تواند راه خویش را طی کند .

نتیجه گیری

فرامین الهی از جمله حجاب هم از مرحله صحت تا مرحله قبول ، دارای درجات و مراتبی است که حداقل آن ، شرط تمامیت است که در «حجاب خمار» جلوه گر می شود و حد کمال آن در جامعیت ابعاد پنج گانه حجاب قرآنی «جلباب» به تجلی می آید .

پوشش بدن به جز وجه کفّین و مهار کردن جاذبه های جنسی زنانه معیار حجاب الهی و قرآنی است که اگر در پوشش چند قطعه ای خمار و به تناسب فرهنگ و تمدن هر ملتی عینیت یابد ، نمره ی صحت عمل را در منظر آیات شریفه به دست آورده است و اگر ابعاد قلبی ، گفتاری و رفتاری و بُعد نگاه را نیز در پوشش یکسره جلباب تجلی بخشد ، نمره ی کمال و برتری الهی را کسب نموده است .

این امر نشان دهنده این است که در دین مبین اسلام با طرح و تأکید حجاب به تمام جوانب شخصیت زن و مرد در اجتماع توجه کرده است و با توجه به آن حجاب را به صورتی متعادل و متناسب مطرح نموده است تا جامعه ای سالم و به دور از فساد داشته باشیم تا انسان های به ما هو انسان بتوانند در کمال مصونیت و امنیت به کارکردها و نقش های خویش بپردازند و سیر کمال و سعادت را با پیروی از دستورات و مبانی دینی درجامعه بشری با لطافت معنوی و کمال حقیقی تجربه کنند .

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم ، ترجمه مهدی الهی قمشه ای ، تهران:گلبان ، ۱۳۸۰ .

منابع عربی

۱ – ابن منظور ، ابی الفضل جمال الدین . لسان العرب . بیروت : دارصادر . ۲۰۰۰ م ، چ ۴ .

۲ – زمخشری ، ابوالقاسم محمد بن عمر . تفسیر کشاف . قم: دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۵۲ ، ج ۳ .

۳ – راغب اصفهانی ، ابوالقاسم حسین بن محمد بن مفضل .مفردات الفاظ القرآن . بیروت : دارالشامیه . ۱۹۹۲ م .

۴ – طباطبایی ، محمد حسین . المیزان فی تفسیر القرآن . تهران : دارالکتب الاسلامیه . ۱۳۹۸ ق ، ج ۱۶ .

۵ – طباطبایی یزدی ، محمد کاظم . عروۀ الوثقی . قم . کراوری . ۱۳۷۳ .

۶ – طبرسی ، ابو علی الفضل بن الحسن . مجمع البیان . تهران : سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی . ۱۳۸۰ ، ج ۷ .

۷ – فیض کاشانی ، محمد حسن . تفسیر الصافی . مشهد : دارالمرتضی . بی تا ، ج ۴ .

۸ – قمی ، ا بی الحسن علی بن ابراهیم . تفسیر القمی . نجف . بی تا . ۱۳۷۸ هـ . ق ، ج ۲ .

۹ – کلینی ، محمد بن یعقوب اسحاق . اصول کافی . بیروت . دارالاضواء . ۱۴۱۳ هـ . ق ، ج ۵ .

منابع فارسی

۱ – الحرانی ، حسین بن شعبه ، تحف العقول ، تصحیح علی اکبر غفاری ، قم : جامعه مدرسین ۱۳۶۳ .

۲– بابایی ، احمد علی . برگزیده تفسیر نمونه . تهران: دارالکتب الاسلامیه ، چ ۹ ، ۱۳۸۰ ، ج ۳ .

۳ – بیرقی اکبری ، محمد رضا . تحلیلی نو و عملی از حجاب در عصر حاضر . اصفهان : پیام عزت ، ۱۳۷۷ .

۴ – شجاعی ، محمد . درو صدف . قم : محیی ، چ ۵ ، ۱۳۸۵ .

۵ – عمید ، حسن . فرهنگ عمید . تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۷ .

۶ – قریشی ، علی اکبر . قاموس قرآن . تهران : د ارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۸ ، ج ۵ ، ج ۱ .

۷– محمدی آشنانی ، علی . حجاب در ادیان الهی . قم : اشراق ، ۱۳۷۳

۸ – محمدی ری شهری ، محمد . میزان الحکمه .ترجمه حمید رضا شیخی . قم : دارالحدیث ، ۱۳۷۷ ، ج ۱۳ .

۹ – محمدی نیا ، اسداله . بهشت جوانان . قم : سبط اکبر علیه السلام ، چ ۱۹ ، ۱۳۸۳ .

۱۰– مصطفوی ، حسین . التحقیق فی کلمات القرآن . تهران : بنگاه ترجمه و نشر کتاب ،۱۳۶۰ ، ج ۳ .

۱۱ – مطهری ، مرتضی . مسئله حجاب . تهران : نشریه انجمن اسلامی . ۱۳۵۳ .

۱۲ – معین ، محمد . فرهنگ فارسی . تهران : امیر کبیر ، ۱۳۷۹ ، ج ۱ .

۱۳– مکارم شیرازی ناصر . برگزیده تفسیر نمونه . تصحیح احمد علی بابایی . قم : دارالکتب الاسلامیه ، چ دوم ، ۱۳۷۶ ، ج ۳ .

۱۴ – هدایت ، مهدی قلی . خاطرات و خطرات . تهران : زوار ، چ ۴ ،۱۳۶۳ .

۱۵ – هدایت خواه ، ستار . زیور عفاف . مشهد : معاونت پرورشی سازمان آموزش و پرورش خراسان ، ۱۳۷۴ .

منبع : برگرفته از پایگاه سازمان تبلیغات اسلامی قم

منبع: http://www.al-shia.org